



تقریرات دروس خارج فقه

حضرت آیت الله سید محمد رضا مدرس طباطبایی یزدی (دامت برکاته)

سال تحصیلی ۹۸-۱۳۹۷

جلسه نود و پنجم؛ سه‌شنبه ۱۳۹۸/۲/۱۰

ظاهر بعض روایات، کفایت عدم مفسده برای جواز تصرف در مال یتیم

مرحوم شیخ رحمته الله فرمودند در اینکه مراد از «أحسن» در آیه شریفه چیست، چهار احتمال وجود دارد و ایشان احتمال دوم یعنی تفضیل مطلق را انتخاب کردند و احتمالات دیگر از جمله احتمال چهارم که مراد «عدم مفسده» باشد را مرجوح دانستند. اما ایشان در ادامه استدراک کرده و می‌فرمایند: چه بسا از بعض روایات استظهار شود که ملاک حرمت تصرف در مال یتیم، ضرر است؛ نه اینکه مناط جواز تصرف، نفع باشد. در نتیجه اگر تصرف در مال یتیم بدون مفسده باشد و موجب ضرر او نشود، مانعی ندارد هرچند مساوی باشد؛ یعنی نفع و مفسده آن یکسان باشد و [در مجموع] نفعی برای یتیم نداشته باشد. شیخ رحمته الله دو روایت ذکر می‌فرمایند و می‌خواهند این مطلب را از آن استفاده کنند و در نهایت هم بحث لزوم رعایت أصلح را مطرح می‌فرمایند.^۱

بررسی روایات دال بر کفایت عدم مفسده

۱. روایت عبدالله بن یحیی الکاهلی:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ يَحْيَى الْكَاهَلِيِّ قَالَ: قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّا نَدْخُلُ عَلَى أَخٍ لَنَا فِي بَيْتِ أَيْتَامٍ وَمَعَهُ خَادِمٌ لَهُمْ

۱. کتاب المکاسب، ج ۳، ص ۵۷۷:

نعم، ربما يظهر من بعض الروايات أن مناط حرمة التصرف هو الضرر، لا أن مناط الجواز هو النفع.

۲. و في المصدر و التهذيب و الوافي: و معهم.

فَنَقَعْدُ عَلَى بَسَاطِهِمْ وَ نَشْرَبُ مِنْ مَائِهِمْ وَ يَخْدُمُنَا خَادِمُهُمْ وَ رَبَّمَا طَعِمْنَا فِيهِ الطَّعَامَ مِنْ عِنْدِ صَاحِبِنَا وَ فِيهِ مِنْ طَعَامِهِمْ فَمَا تَرَى فِي ذَلِكَ فَقَالَ: إِنْ كَانَ فِي دُخُولِكُمْ عَلَيْهِمْ مَنَفَعَةٌ لَهُمْ فَلَا بَأْسَ وَ إِنْ كَانَ فِيهِ ضَرَرٌ فَلَا وَ قَالَ عليه السلام: ﴿بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ﴾ فَأَنْتُمْ لَا يَخْفَى عَلَيْكُمْ وَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ﴿وَ اللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ﴾.

وَ رَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ مِثْلَهُ.^۳

عبدالله بن يحيى الكاهلي نقل می کند که از امام صادق عليه السلام چنین سؤال شد: همانا ما داخل بر برادرمان می شویم که در منزل ایتام زندگی می کند و همراه او، خادم آن ایتام است و ما روی فرش آن ایتام می نشینیم و از آب آشامیدنی آنها می نوشیم و خادم آنها به ما خدمت می کند و گاهی ما از غذای برادرمان می خوریم در حالی که در آن غذای ایتام مخلوط است، نظر مبارکتان در این باره چیست؟ حضرت فرمودند: اگر در وارد شدن شما بر ایتام، منفعتی برای آنها باشد مانعی ندارد، و اگر در آن ضرر باشد جایز نیست. سپس حضرت فرمودند: و بلکه انسان نسبت به حال خود بیناست و بر خودتان پوشیده نیست که به چه خاطر رفتید و خداوند متعال می فرماید: خداوند مصلح را از مفسد می شناسد.

عبدالله بن يحيى الكاهلي مختلفاً فيه است و توثیقى که حجّت باشد و بتوان به آن اعتماد کرد، در حق ایشان وارد نشده است، گرچه بعضی عبارت مرحوم نجاشی در ترجمه ایشان که فرموده «و كان عبد الله وجها عند أبي الحسن عليه السلام»^۴ را کافی در توثیق دانسته اند و یا به بعض روایاتی که ظاهراً ناقلش خود آقای کاهلی است تمسک کرده اند، اما همان طور که قبلاً گفتیم، این وجوه برای ما حجّت نیست و نمی توانیم وثاقت ایشان را بپذیریم. به هر حال بیش از حسنه نمی توان از این روایت تعبیر کرد، کما اینکه مرحوم شیخ عليه السلام از این روایت تعبیر به حسنه کرده اند.

شیخ عليه السلام از این روایت چنین استفاده می کنند که حضرت می فرمایند اگر وارد شدن شما بر ایتام برای

۳. وسائل الشیعة، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۷۱، ح ۱، ص ۲۴۸ و الکافی، ج ۵، ص ۱۲۹.

۴. رجال النجاشی، ص ۲۲۱.

عبد الله بن يحيى أبو محمد الكاهلي عربي، أخو إسحاق رويًا عن أبي عبد الله و أبي الحسن عليهما السلام. و كان عبد الله وجها عند أبي الحسن عليه السلام، و وصى به علي بن يقطين فقال [له]: اضمن لي الكاهلي و عياله اضمن لك الجنة.

و قال: محمد بن عبدة الناسب: عبد الله بن يحيى الذي يقال له الكاهلي هو تميمي النسب. و له كتاب يرويه جماعة منهم، أحمد بن محمد بن أبي نصر أخبرنا القاضي أبو عبد الله الجعفي قال: حدثنا أحمد بن محمد بن سعيد قال: حدثنا محمد بن أحمد القطواني قال: حدثنا أحمد بن محمد بن أبي نصر عن الكاهلي بكتابه.

۵. كتاب المكاسب، ج ۳، ص ۵۷۷.

ففي حسنة الكاهلي: «قيل لأبي عبد الله عليه السلام: إننا ندخل على أخ لنا في بيت أيتام و معهم خادم لهم، فنقع على بساطهم و نشرب من

آنها ضرر داشته باشد جایز نیست، اما اگر نفعی برای آنها داشته باشد مانعی ندارد و عبارت «إِنْ كَانَ فِي دُخُولِكُمْ عَلَيْهِمْ مَنْفَعَةٌ لَهُمْ فَلَا بَأْسَ» اطلاق دارد و حتی شامل نفعی می‌شود که به اندازه جبران ضرر ورود بر آنها باشد و به تعبیر شیخ رحمته الله اگر نفعی باشد که موازی با ضرر ورود بر آنها باشد، مانعی ندارد. پس از این روایت استفاده می‌شود اگر تصرف در اموال یتیم مفسده‌ای نداشته باشد جایز است.

شیخ رحمته الله در ادامه از بعض معاصرین خود - صاحب جواهر رحمته الله علی حسب ما ذکره بعضهم - نقل می‌کند که [بین صدر و ذیل روایت تنافی وجود دارد. در صدر روایت، جواز ورود بر ایتام منوط به نفع شده است] و «نفع» به معنای عدم ضرر نیست بلکه علاوه بر جبران ضرر باید نفع اضافه داشته باشد و در ذیل روایت، حرمت منوط به ضرر شده است. و این صدر و ذیل در مورد تصرفی که نه نفع داشته باشد و نه ضرر، با هم تعارض پیدا می‌کند. سپس شیخ می‌فرماید: این کلام بعض معاصرین مبنی بر آن است که مراد از نفع، منفعتی باشد که در عوض تصرف در مال یتیم به آنها داده می‌شود؛ مثلاً در خانه آنها آبی بنوشند و در مقابلش فلسی بدهند که بهایش از آب مصرف شده بیشتر است].

شیخ رحمته الله در مقابل این حرف می‌ایستد و ظاهراً هم حق با ایشان است؛ زیرا روایت می‌فرماید اگر در دخول شما بر ایتام منفعتی برای آنها باشد مانعی ندارد، اما دیگر بیان نمی‌کند که این نفع چقدر باید باشد و از این جهت اطلاق دارد. و جمع بین این صدر و بین ذیل که می‌فرماید اگر ضرر داشته باشد جایز نیست، به آن است که بگوییم اگر منفعتی باشد که حداقل مساوی با ضرر وارد باشد مانعی ندارد.

[در بررسی استدلال به این روایت، چند مطلب را تذکر می‌دهیم:]

مطلب اول: اینکه بعضی خواسته‌اند از این روایت استفاده کنند که هر کسی می‌تواند در اموال ایتام تصرف کند، به شرط اینکه تصرف او نفعی برای ایتام داشته باشد. اما این معنا از روایت استفاده نمی‌شود؛ زیرا در روایت فرض شده که «تَدْخُلُ عَلَيَّ أَخِي لَنَا فِي بَيْتِ أَيْتَامٍ» یعنی ما وارد بر برادر خود می‌شویم که در خانه ایتام

مائهم، و یخدمنا خادمهم، و ربما طعمنا فيه الطعام من عند صاحبنا و فيه من طعامهم، فما ترى في ذلك؟ قال: إن كان في دخولكم عليهم منفعة لهم فلا بأس، و إن كان فيه ضرر فلا.

بناءً على أن المراد من منفعة الدخول ما يوازي عوض ما يتصرفون من مال اليتيم عند دخولهم، فيكون المراد بالضرر في الذيل: أن لا يصل إلى الأيتام ما يوازي ذلك، فلا تنافي بين الصدر و الذيل على ما زعمه بعض المعاصرین: من أن الصدر دالّ على إناطة الجواز بالنفع، و الذيل دالّ على إناطة الحرمة بالضرر، فيتعارضان في مورد يكون التصرف غير نافع و لا مضرّ. و هذا منه مبنيّ على أن المراد بمنفعة الدخول النفع الملحوظ بعد وصول ما يوازي مال اليتيم إليه، بمعنى أن تكون المنفعة في معاوضة ما يتصرف من مال اليتيم بما يتوصل إليهم من ماله، كأن يشرب ماءً فيعطى فلساً يوازيه، و هكذا.. و أنت خبير بأنّه لا ظهور للرواية حتى يحصل التنافي.

است، لذا چه بسا آن برادر، ولیّ ایتام یا مأذون از ولیّ آنها باشد. بنابراین آنچه از روایت استفاده می‌شود آن است که تصرف در مال یتیم در صورتی جایز است که نفعی برای آنها داشته باشد، اما از این جهت که تصرف در مال آنها آیا باید با اجازه ولیّ باشد یا بدون اجازه او هم جایز است، روایت درصدد بیان نیست.

مطلب دوم که در مورد این روایت باید بررسی شود آن است که مقصود از نفع در این روایت چیست، آیا فقط منفعت مادی است و یا اعم از منفعت مادی و معنوی؟

احتمال دارد که منفعت اعم - از مادی و معنوی - مقصود باشد؛ فرضاً پدر آنها تازه فوت شده و کسی برای عرض تسلیت که یک منفعت معنوی است به خانه آنها برود بدون اینکه چیزی برای آنها ببرد و مثلاً یک استکان چایی بخورد. البته این مقدار تصرف، لابدمنه است؛ چراکه اگر مثلاً چایی نخورد، آن ایتام ناراحت می‌شوند و این عمل تحقیر آنهاست. به هر حال ممکن است گفته شود عرض تسلیت، منفعتی برای آنهاست؛ چراکه در بعض موارد حتی ولیّ به خاطر اینکه مصلحت ایتام است، باید از پول آنها کسی را اجیر کند تا برای تسلیت پیش آنها برود، حال اگر فردی خودش برود و یک استکان چایی آنجا بخورد، بعید نیست مشمول این روایت باشد که نفعی برای ایتام داشته است. **احتمال** هم دارد که منفعت فقط منصرف به **منفعت مالی** و ضرر هم منصرف به ضرر مالی باشد، به قرینه اینکه روایت می‌فرماید «طَعِمْنَا فِيهِ الطَّعَامَ» و خوردن غذایی که ایتام در آن شریک هستند، یک ضرر مادی است.

به هر حال مال یتیم جای احتیاط است و نباید ضرر مادی بر آنها وارد شود و حداقل باید نفعی که موازی ضرر است به آنها برسد. منتها همان‌طور که گفتیم سند روایت در نزد ما ناتمام است و نمی‌توان به آن اعتماد کرد.

مطلب سوم اینکه باید توجه داشت این روایت ربطی به تصرفات اعتباریه ندارد و مورد آن تصرفات تکوینیه است، لذا نمی‌توان این روایت را استثناء بر نظر شیخ رحمته الله در معنای «لاتقربوا» در آیه شریفه دانست.

۲. روایت علی بن المغیره:

و [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ] عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ ذُبْيَانَ بْنِ حَكِيمٍ الْأَوْدِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْمُغِيرَةَ قَالَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: إِنَّ لِي ابْنَةَ أَخٍ يَتِيمَةً فَرُبَّمَا أُهْدِي لَهَا الشَّيْءَ فَأَكُلُ مِنْهُ

۶. و فی بعض النسخ الكافی: علی بن ابی المغیره.

ثُمَّ أَطْعَمَهَا بَعْدَ ذَلِكَ الشَّيْءِ مِنْ مَالِي فَأَقُولُ يَا رَبُّ هَذَا بِذَا فَقَالَ ﷺ: لَا بَأْسَ.^٧

علی بن المغیره می گوید خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: دختر برادری دارم که یتیم است و گاهی چیزی به او هدیه داده می شود و من از آن می خورم و سپس از مال خودم او را اطعام می کنم و می گویم خداوند این در مقابل آن چیزی که از مال او خوردم. حضرت فرمودند: مانعی ندارد.

ذبیان بن حکیم الاودی یا الازدی توثیق ندارد. ایشان از علی بن المغیره نقل می کند که توثیق دارد منتها در نسخه بدل، علی بن ابی المغیره آمده که توثیق ندارد. به هر حال سند روایت حداقل به خاطر عدم توثیق ذبیان بن حکیم ناتمام است.

همان طور که مرحوم شیخ رحمته الله فرمودند، حضرت در این روایت طلب استفصال نکردند که آنچه به یتیم در مقابل غذای او داده می شود آیا بیشتر از غذایی است که از یتیم خورده شده یا کمتر و یا مساوی، و مطلقاً فرمودند مانعی ندارد. بله، یقین داریم در صورتی که کمتر باشد، «هَذَا بِذَا» صدق نمی کند اما اگر مساوی باشد روشن است که این تعبیر صادق است، لذا معلوم می شود اگر تصرفی مفسده نداشته باشد، مانعی ندارد.^٨

سپس شیخ رحمته الله تشکیکی می کنند که چون تصرف در طعامی که برای یتیم هدیه آورده شده و سپس جبران آن از مال خود، غالباً احسن است، لذا این روایت منافاتی با این ندارد که تصرف باید اصلح باشد؛ مثلاً طعامی که به یتیم هدیه داده شده، مطبوخ است و یتیم نمی تواند همه آن را بخورد و در آن زمان امکان نگهداری آن هم نبوده و اگر ولی استفاده نکند فاسد می شود. پس اینکه ولی از آن استفاده کند و سپس از مال خودش جایگزین کند، اصلح به حال یتیم است. و یا اینکه ممکن است ولی مقدار کمی از آن طعام را بخورد اما بعداً از مال خودش یک ظرف کامل طعام به یتیم بدهد که معمولاً هم چنین است و این نیز اصلح به حال یتیم است.

این توجیه اخیر مرحوم شیخ رحمته الله نیز قابل پذیرش نیست؛ زیرا به تعبیر خودشان نهایت می توان گفت غالباً چنین است که تصرف در طعام موهبی الیه و اعطاء عوض بعد از آن اصلح است، اما بعض وقتها

٧. وسائل الشیعة، ج ١٧، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ٧١، ح ٢، ص ٢٤٩ و الکافی، ج ٥، ص ١٢٩.

٨. کتاب المکاسب، ج ٣، ص ٥٧٨.

و فی روایة ابن المغیره: «قلت لأبي عبد الله عليه السلام: إن لي ابنة أخ یتیمة، فربما اهدى لها الشيء فأكل منه ثم أطعمها بعد ذلك الشيء من مالي، فأقول: يا رب هذا بهذا؟ قال: لا بأس.»

فإن ترك الاستفصال عن مساواة العوض و زيادته يدل على عدم اعتبار الزيادة، إلا أن يحمل على الغالب: من كون التصرف في الطعام المهدي إليها و إعطاء العوض بعد ذلك أصلح؛ إذ الظاهر من «الطعام المهدي إليها» هو المطبوخ و شبهه.

أصلح نیست؛ مثلاً ولیّ طعام پخته‌ای از یتیم را می‌خورد و بعداً طعامی می‌پزد و یتیم را دعوت می‌کند که از آن بخورد، در اینجا هم که مساوی است تعبیر «هَذَا بَدَأُ» صادق است. بنابراین به نظر می‌رسد این روایت صورت مساوی را هم شامل می‌شود و خلاف آن چیزی است که از ظاهر آیه شریفه استفاده می‌شود و همان مطالبی که در روایت قبل بیان کردیم در مورد این روایت هم جاری است که این روایت علاوه بر ضعف سند، مربوط به تصرفات تکوینه است و ربطی به تصرفات اعتباریه ندارد.

همچنین طبق مبنای شیخ رحمته این روایت نمی‌تواند مخصص آیه شریفه باشد، اما طبق معنایی که ما انتخاب کردیم، می‌تواند مخصص آن باشد؛ چراکه دایره‌اش محدودتر است و از آن استفاده می‌شود در جایی که ولیّ بیگانه نباشد و اختلاطی با ایتام داشته باشد، تصرفاتش مانعی ندارد، منتها چون سند این روایت ناتمام است، با استناد به آن حداقل احتیاط را نمی‌توان رها کرد.

به هر حال این دو روایتی که جناب شیخ ذکر فرمودند، هیچ کدام سند تام نداشتند. دو روایت دیگر در اینجا وجود دارد که سند آنها تام است اما شیخ رحمته متعرض آنها نشده است و باید دید آیا می‌توان از آنها مطلب را استفاده کرد یا خیر؟ این دو روایت عبارتند از:

۳. موثقة سماعه:

وَعَنْهُمْ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ﴿وَإِنْ تَخَالَطُوهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ﴾ قَالَ: يَعْنِي الْيَتَامَى إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَلِي لِأَيْتَامٍ فِي حَجْرِهِ فَلْيُخْرِجْ مِنْ مَالِهِ عَلَى قَدَرِ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عَلَى قَدَرِ مَا يُخْرِجُهُ لِكُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ فَيُخَالِطُهُمْ وَيَأْكُلُونَ جَمِيعًا وَلَا يَرِزَانَنَّ مِنْ أَمْوَالِهِمْ شَيْئًا إِنَّمَا هِيَ النَّارُ. وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ نَحْوَهُ.^{۱۰}

سماعه می‌گوید از امام صادق عليه السلام درباره قول خداوند متعال ﴿وَإِنْ تَخَالَطُوهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ﴾ پرسیدیم. حضرت فرمودند: مقصود ایتام هستند، هرگاه مردی سرپرست ایتامی است که در دامن او هستند، از مال خود به اندازه‌ای که به آن نیاز دارد خارج کند؛ به همان مقداری که از مال هر یک از ایتام خارج می‌کند و آن اموال را با هم مخلوط کند و همه با هم بخورند و از اموال آنها چیزی کم نکند که آتش باشد.

در این روایت که سندش تمام است، روشن است که تصرف ولیّ مساوی است و روایت بیان می‌کند

۹. و فی بعض نسخ المصدر و التهذیب و الوافی: الایتام.

۱۰. وسائل الشیعة، ج ۱۷، کتاب التجارة، أبواب ما یکتسب به، باب ۷۳، ح ۲، ص ۲۵۴ و الکافی، ج ۵، ص ۱۲۹.

مانعی ندارد. پس معلوم می‌شود عدم ضرر و مفسده، کافی برای جواز تصرف در اموال ایتام است. الا اینکه باید توجه داشت حضرت چنین قید زدند که «إِذَا كَانَ الرَّجُلُ يَلِي لِأَيْتَامٍ فِي حَجْرِهِ»؛ یعنی هم ولی است و هم اینکه با آنها زندگی می‌کند، در چنین جایی تصرفاتی که موازی و سر به سر باشد مانعی ندارد و به این اندازه این روایت، آیه شریفه را تخصیص می‌زند. اما اگر ولی‌ای باشد که با ایتام زندگی نمی‌کند، از این روایت جواز تصرفات مساوی او استفاده نمی‌شود، گرچه ممکن است از بعض روایات دیگر استفاده شود.

روایت دیگری که در این زمینه وجود دارد، صحیحه منصور بن حازم است که اعم بوده و تصرفات اعتباریه و تکوینیه هر دو را شامل می‌شود و جای تعجب است که چرا جناب شیخ رحمته الله و دیگران، در این بحث متعرض آن نشده‌اند. روایت چنین است:

۴. صحیحۀ منصور بن حازم:

مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي رَجُلٍ وَلِيَ مَالَ يَتِيمٍ أَيْسْتَقْرِضُ مِنْهُ فَقَالَ إِنَّ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ عليه السلام قَدْ كَانَ يَسْتَقْرِضُ مِنْ مَالِ أَيْتَامٍ كَانُوا فِي حَجْرِهِ فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ. وَعَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ نَحْوَهُ وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْزُوبٍ عَنْ خَالِدِ بْنِ جَرِيرٍ عَنْ أَبِي الرَّبِيعِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام نَحْوَهُ وَرَوَاهُ الشَّيْخُ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَجْزُوبٍ مِثْلَهُ.^{۱۱}

منصور بن حازم می‌گوید از امام صادق عليه السلام درباره مردی پرسیدم که ولی مال یتیمی است، آیا می‌تواند از مال او قرض کند؟ حضرت فرمودند: همانا امام سجاد عليه السلام از اموال ایتامی که در منزلشان بودند قرض می‌کردند، پس مانعی در آن نیست.

از این روایت استفاده می‌شود تصرف مساوی مانند قرض که تصرفی اعتباری است مانعی ندارد. و اگر کسی بگوید قرض، خصوصیت دارد و روایت شامل صورت اتلاف مال یتیم و سپس جایگزینی آن نمی‌شود، می‌گوییم: این حرف انصافاً خیلی بعید است و قرض خصوصیتی ندارد. بله، [ممکن است کسی بگوید این روایت فقط در صورتی دال بر جواز تصرفات مساوی است که ایتام در حجر ولی باشند و با هم زندگی کنند؛ چراکه] حضرت در جواب سؤال فرمودند که امام سجاد عليه السلام از ایتامی که در حجرشان بودند استقراض

۱۱. وسائل الشیعة، ج ۱۷، باب ۷۶، ح ۱، ص ۲۵۸ و الکافی، ج ۵، ص ۱۳۱.

می‌کردند. در جواب می‌گوییم: از آنجا که سؤال راوی اعم است و حضرت هم در نهایت استتاج می‌کنند که «فَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ»، پس معلوم می‌شود این قید مهم نیست بلکه قید غالبی است، نظیر قید «فِي حُجُورِكُمْ» در آیه شریفه ﴿وَرَبَائِبِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُمْ﴾.

بنابراین این روایت تصرفات اعتباریه و تکوینیه هر دو را شامل می‌شود، و از آن استفاده می‌شود تصرفات مساوی ولی مانعی ندارد و صرف عدم ضرر و مفسده کافی برای جواز تصرف است. با توجه به این معنا باید دید نسبت این روایت با آیه شریفه چگونه می‌شود؟

می‌گوییم یک وجه جمع بین این صحیحه و آیه شریفه آن است که بگویم ﴿وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ﴾ خطاب به همه مکلفین است غیر از اولیاء، و بیان می‌کند هیچ کس نزدیک مال یتیم نشود مگر در صورتی که أحسن باشد؛ چراکه مال یتیم خیلی در معرض دستبرد و اتلاف است و قید (الا بالتی هی أحسن) مربوط به تصرفات تکوینیه غیر ولی است؛ یعنی اگر معنای این عبارت آن باشد که همه می‌توانند در صورت أحسن بودن تصرف کنند، می‌گوییم مانعی ندارد و ملتزم می‌شویم در جایی که تصرفات تکوینیه أحسن باشد، غیر ولی می‌تواند آن را انجام دهد؛ مثلاً مال یتیم را از سرقت، سیل و امثال آن حفظ کند. پس آیه شریفه بیان می‌کند هیچ کس نباید نزدیک مال یتیم شود مگر در صورتی که أحسن باشد، اما این روایت ولی شرعی را خارج می‌کند و بیان می‌کند تصرفات اعتباریه و تکوینیه او [حتی در صورتی که مساوی باشد] مانعی ندارد، ولو اینکه با ایتم مخالطه نداشته باشد.

خلاصه اینکه تصرفات غیر ولی شرعی، فقط در تصرفات تکوینیه آن هم در صورتی که أحسن باشد جایز است، اما روایت بیان می‌کند تصرفات مساوی ولی شرعی؛ چه تصرفات اعتباریه و چه تکوینیه، جایز است حتی اگر با ایتم مخالطه هم نداشته باشد و از تحت شمول آیه شریفه خارج است. و خروج این مورد از آیه شریفه، موجب تخصیص اکثر هم نمی‌شود. البته چون مسئله بسیار مهم است. و فروع دیگر هم دارد که باید رسیدگی شود و احتیاط هم راه نجات است.

والحمد لله رب العالمین

تقریر و تنظیم: جواد احمدی